

دزده و مرغ فلفلی



■ تصویرگر: کیانوش لطیفی
■ سال: ۱۳۶۶ - دوم
■ ناشر: گزارش
■ تعداد صفحات: ۳۲

فلفلی که در ده شلمرود زندگی می‌کند، یک مرغ زرد کاکلی دارد که او را بسیار دوست دارد؛ اما یک روز، زمانی که فلفلی مشغول استراحت است، دزدی به خانه آنها می‌آید و مرغش را می‌دزد. فلفلی برای یافتن مرغ به تمام شهرهای ایران سفر می‌کند و برخی خصوصیات شهرها را بیان می‌کند. سرانجام نیز فلفلی دزد را گرفته، مرغش را از او پس می‌گیرد و دزد را به کلانتری تحویل می‌دهد.

بچه‌ها من هم بازی ۱ (سیل بابا نامیزونه)



■ تصویرگر: سلمان طاهری
■ سال: ۱۳۸۲ - اول
■ ناشر: گل آقا
■ تعداد صفحات: ۸۸

این کتاب مجموعه نوشته‌های طنز کوتاهی با پیام‌های اجتماعی و اخلاقی و گاه سیاسی است که قبلاً به تدریج در هفته‌نامه «بچه‌ها... گل آقا» به چاپ رسیده و در این کتاب یک‌جا منتشر شده است. نوشته‌ها شامل هفتاد و دو عنوان مطلب، همراه با طرح‌های کاریکاتور است که همه وقایع را از زبان بچه‌ها بیان می‌کند.

جامع الحکایات



■ سال: ۱۳۸۲ - اول
■ ناشر: گل آقا
■ تعداد صفحات: ۱۷۵

این کتاب مجموعه داستان‌های کوتاه به طنز است که در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ در هفته‌نامه گل آقا به چاپ رسیده است. احترامی با اشرافی که به متون کهن فارسی دارد، بر اساس موضوعات روز جامعه داستان‌های کوتاهی را به طنز و البته به نثر قدیمی نوشته است. نثری ساده و روان که مخاطب آن را به راحتی متوجه می‌شده و نکات ظریف آن را هم دریافت می‌کرده است.

حسد کیومرث صابری بوده است. منوچهر احترامی در مجلات بسیاری قلم می‌زد که شاید معروف‌ترین آن‌ها پس از گل آقا مجله طنز آهنگری باشد. او هرگز ازدواج نکرد و بچه‌ای نداشت اما خواهرزاده‌اش «پورنگ» عامل اصلی خلق آثار به‌یادماندنی‌اش برای کودکان شد. تا جایی که حتی او اولین آثارش را با نام مستعار «پورنگ» منتشر می‌کرد. «پورنگ فیروزفر» خواهرزاده منوچهر احترامی که در حال حاضر در خارج از کشور به‌سر می‌برد، قصد دارد منزل دایی‌اش را تبدیل به «خانه احترامی» کند؛ جایی برای مخاطبان منوچهر احترامی که بتوانند شلمرود کوچک این حسنی تنها را ببینند.

احترامی تک‌بهدی نبود. خودش را در خانه حبس نمی‌کرد تا بنویسد و همان قدر که عاشق نوشتن بود، عاشق کارهای فنی و از همه مهم‌تر عاشق ورزش بود. مثل اکثر نویسندگان معروف علاقه به پیاده‌روی داشت و تا آخرین روزهای عمرش این عادتش را کنار نگذاشت. همیشه جمعه‌ها قبل از طلوع آفتاب با دوستانش برای ورزش دور هم جمع می‌شدند؛ عادتی که از نوجوانی آغاز شد و هرگز کنار گذاشته نشد. عاشق تعمیر و سروکله زدن با وسایل بود و دوست داشت برای خودش و دیگران ابزارآلات ابتدایی بسازد.

صبح جمعه با رادیو

بعد از گرفتن لیسانس حقوق و رفتن به سربازی، به استخدام مرکز آمار درآمد. سال‌های نخست خدمتش در این اداره را با شوق زیادی در یزد گذراند و اوقات فراغتش را به یادگیری زبان فرانسه و عربی اختصاص داد و هر چه بیشتر به مطالعه ادبیات جهان پرداخت و با فرهنگ‌های مختلف و اصیل ایرانی از جمله زرتشتی آشنا شد. سپس به تهران بازگشت. در این بین روزنامه توقیف، توقیف شده بود و به همین دلیل احترامی عمده فعالیتش را روی رادیو متمرکز کرد. او نویسنده آیتم‌های مشهور طنز رادیو از جمله «صبح جمعه با رادیو» بود و همچنین نمایش نامه‌های به‌یادماندنی‌ای برای رادیو نوشت. البته در این دوران نیز ارتباطش با مطبوعات را قطع نکرد و همچنان در مجلات مختلف می‌نوشت تا با گل آقا آشنا شد.

بعد از نوشتن در گل آقا به تدریس هم روی آورد. آزادگی و مناعت طبعش در آموزش او را به شخصیتی تبدیل می‌کرد که نمی‌شد از او نیاموخت. آموزگاری خاص و طناز بود و شاگردان زیادی را تربیت کرد. منوچهر احترامی کتاب مستقلی برای آموزش نداشت و تنها کتاب‌هایی که از او در بازار موجود است، حاصل گردآوری اشعار و مقالات و مصاحبه‌های او در چند نشریه است. منوچهر احترامی به راستی عاشق نوشتن بود، بارها شده بود به خاطر مقاله‌ای که حتی برای اش دستمزدی دریافت نمی‌کرد، کتابی را مطالعه کرده بود و این کار را بدون هیچ‌گونه اعتراضی انجام داده بود. در اواخر عمر مادرش به پرستاری از او مشغول شد. مادرش بعد از مرگ برادر کوچک‌تر منوچهر، محمدرضا حال خوشی نداشت و منوچهر که ازدواج نکرده بود، برای مراقبت تمام‌وقت از او، به خانه مادری‌اش کوچ کرد و تا روزهای آخر به خوبی از او نگهداری کرد.

احترامی همیشه مورد احترام بود و هست، ممکن نیست کسی اسم حسنی و داستان ده شلمرود را نشنیده باشد. این داستان گویی جزو داستان‌های اسطوره‌ای ایران به حساب می‌آید؛ نسل‌به‌نسل با اولین لالی‌های و قصه‌های شبانه به کودکان منتقل می‌شود و در یادها ماندگار است. منوچهر احترامی در بیست و دوم بهمن سال ۱۳۸۷ درگذشت.

وجود نداشته باشد. کتاب حسنی که در ده شلمرود تک و تنها بوده و به خاطر حمام نرفتن هیچ‌کس با او صحبت نمی‌کرده است، داستانی سراسر است و جذاب دارد و شعارزده نیست. خودش می‌گوید که چون با بچه‌ها زیاد سروکله زده و می‌داند بچه‌ها عاشق حیوانات هستند به همین دلیل در کتاب‌هایش از آن‌ها برای پیشبرد قصه کمک می‌گیرد و به آن‌ها شخصیتی انسانی می‌دهد. او اعتقاد دارد حتی در کتاب‌های بزرگسال نیز چنین است و اگر رستم با اژدهای هشتاد متری وارد صحبت نشود، از جذابیت شاهنامه کم خواهد شد.

حسنی، محبوب همه سنین

کتاب‌های منوچهر احترامی برای تمام سنین است. سفرهای فلفلی و مرغش که دور ایران را می‌گردند، هم برای کودکان جذاب است و هم مردی سن‌وسال دار را سرگرم می‌کند. خود منوچهر احترامی خاطره‌ای می‌گوید که نشان‌دهنده همین موضوع است. این خاطره مربوط به زمانی است که به نمایشگاه کتاب رفته بوده و در آنجا با مردی ۲۷ ساله برخورد می‌کند که بچه نداشته و به دنبال کتاب «حسنی نگو به دسته گل» می‌گشته است. این جوان در جواب منوچهر احترامی می‌گوید که کتاب را برای پدرش می‌خواهد، پدری که وقتی او کودک بوده، کتاب حسنی را برای او خوانده و حالا در ایام پیری دوست دارد بار دیگر آن کتاب را بخواند.

دو کتاب «حسنی نگو به دسته گل» و «حسنی ما به بره داشت» با وجود پرتعداد بودن و تیراژ میلیونی از دیدگاه رسمی مطرود به حساب می‌آیند و برخی افراد در حوزه ادبیات کودک اعتقاد داشتند که محتوا نداشته و قابل خواندن نیستند. اما بعد از گذشت سال‌ها و همه‌گیر شدن کتاب بین کودکان و بزرگسالان، اکنون کتاب حسنی اصلی بین صدها کتاب فرعی که تنها وام‌دار حسنی اصلی هستند، گم شده است. کتاب‌های حسنی و سایر کتاب‌های منوچهر احترامی با اندکی دست‌کاری یا با اقتباس از تم اصلی، بارها و بارها با نام‌های دیگر منتشر و تجدید چاپ شده‌اند. منوچهر احترامی در زمان حیاتش از اینکه کتاب حسنی عزیزش تبدیل به کتابی بازاری و سوپرمارکتی شده، غصه‌دار بود و اعتقاد داشت حسنی دو عنوان بیشتر نیست و او نمی‌داند این همه عناوین حسنی از کجا آمده است. منوچهر احترامی با حسنی معروف شد اما او بیش از ۵۰ عنوان کتاب برای کودکان تالیف کرده است که اشعار تمام آن‌ها به زیبایی حسنی است. کتاب‌هایی چون دزده و مرغ فلفلی، خروس نگو به ساعت، فیل اومد آب بخوره و داستان معروف «مهمان‌های ناخوانده» هم اثر منوچهر احترامی هستند. از کتاب «مهمان‌های ناخوانده» تاکنون اقتباس‌های زیادی چه به صورت سینمایی و تلویزیونی و چه به صورت رادیویی یا نمایشی صورت گرفته است. معروف‌ترین آن‌ها فیلم عروسکی «مهمان ناخوانده» اثر مرضیه برومند است.

عاشق نوشتن

احترامی با نام‌های مستعار «الف اینکاره» و «میم، پسر خاله» تنها در مجله توقیف نمی‌نوشت. او از سال ۱۳۶۹ یعنی زمانی که مجله «گل آقا» نوپا بود و به تازگی توسط کیومرث صابری فومنی تاسیس شده بود، در نشریه گل آقا می‌نوشت و تا ۱۸ سال بعد یعنی زمان مرگش به گل آقا وفادار ماند. از آثار به‌یادماندنی منوچهر احترامی می‌توان به «جامع الحکایات» و «پیر ما گفت...» اشاره کرد. قلم و طنز منوچهر احترامی همیشه باعث رشد و

دو کتاب «حسنی نگو به دسته گل» و «حسنی ما به بره داشت» با وجود پرتعداد بودن و تیراژ میلیونی از دیدگاه رسمی مطرود به حساب می‌آیند و برخی افراد در حوزه ادبیات کودک اعتقاد داشتند که محتوا نداشته و قابل خواندن نیستند. اما بعد از گذشت سال‌ها و همه‌گیر شدن کتاب بین کودکان و بزرگسالان، اکنون کتاب حسنی اصلی بین صدها کتاب فرعی که تنها وام‌دار حسنی اصلی هستند، گم شده است. کتاب‌های حسنی و سایر کتاب‌های منوچهر احترامی با اندکی دست‌کاری یا با اقتباس از تم اصلی، بارها و بارها با نام‌های دیگر منتشر و تجدید چاپ شده‌اند.